

۱۵۵۲۱۸۲

گزیده آثار
آنتوان چخوف

ترجمه: عزیزعلی امیری زاده

www.ketab.ir

سرشناسه: پاولوویچ چخوف، آنتوان، ۱۸۶۰-۱۹۰۴ م. عنوان و نام پدیدآور: گزیده آثار آنتوان چخوف / ترجمه عزیزعلی امیری زاده. مشخصات نشر: تهران: آریاسان، ۱۳۹۶. مشخصات ظاهری: ۳۱۷ ص. شابک: ۷-۸-۹۷۵۵۳-۶۰۰-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: موضوع: داستانهای روسی. قرن ۱۹. شناسه افزوده: عزیزعلی، امیری زاده، ۱۳۴۹ مترجم. رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ د ۳۳۲۵/ن ۲۰۷۵ DSR رده بندی دیویی: ۹۵۵/۲۳۴۷. شماره کتابشناسی: ۴۲۱۸۶۰۴

گزیده آثار آنتوان چخوف

ترجمه: عزیزعلی امیری زاده

انتشارات آریاسان

سمتة آرای: مرچید ذنوبی

تیراژ: ۵۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شابک: ۷-۸-۹۷۵۵۳-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

انتشارات آریاسان

تهران: خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۹۵۲۳۱۵ - ۶۶۹۷۲۸۱۷ - ۶۶۴۹۵۸۸۷

فهرست

۵.....	سخن ناخودآگاه
۱۲.....	آنتوان چخوف و داستان هایش
۲۳.....	چاق و کمر
۲۸.....	حربا
۳۵.....	ماسک
۴۵.....	وانکا
۵۲.....	شوخی
۶۰.....	سرگذشت ملال انگیز (از یادداشت های مردی پیر)
۱۶۶.....	سبکسر
۲۱۱.....	انگور فرنگی
۲۳۰.....	نیویچ
۲۶۴.....	جان دلم
۲۸۸.....	بانو با سنگ ملوس

سخن ناشر

آنتوان پابلو بیچ چخوف در ۲۹ ژانویه سال ۱۸۶۰ در شهر تانگروگ، در جنوب روسیه شمال قفقاز، در ساحل دریای آزوف به دیده به جهان گشود. پدر بزرگ پدرانش در ملک کُنت چرتکف، مالک استان وارنشسکایا، سرفه سردار و سرانست آزادی خود و خانواده خود را بخرد. پدرش مغازه خواربار فروشی داشت. او مرد مذهبی خشن بود و فرزندان را تنبیه بدنی می‌کرد و برای یکشنبه پسرانش (او ۵ پسر داشت که آنتوان دومین آنها بود) را مجبور می‌کرد به کلیسا بروند و در گروه همراهیانی که خودش تشکیل داده بود، آواز بخوانند. اگر اندکی ابراز نارضایتی می‌کردند آنها را با چوب تنبیه می‌کرد. همچنین آنها را در ساعاتی طولانی، حتی در زمستان‌های سرد، در نمازخانه به کار می‌گرفت.

آنتوان در سال ۱۸۶۷ در هفت سالگی تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه دینی یونانی آغاز کرد، اما دو سال بعد در کلاس اول مدرسه عادی به تحصیل خود ادامه داد. پدر چخوف شیفته موسیقی بود و همین شیفتگی او را از داد و ستد بازداشت و به ورزشکستگی کشاند و او در

سال ۱۸۷۶ از ترس طلبکارانش به همراه خانواده به مسکو رفت و آنتوان تنها در تاگانروگ باقی ماند تا تحصیلات دبیرستانی‌اش را به پایان برساند. او در سال‌های پایانی تحصیلات متوسطه‌اش در تاگانروگ به تأثر می‌رفت و نخستین نمایشنامه خود را به نام بی‌پدري و بعد کم‌دی آواز مرغ بی‌دلیل نبود را نوشت. او در همین سال‌ها مجله غیررسمی و دست‌نویس الکن را منتشر کرد که توسط برادرانش به مسکو هم برده می‌شد. برادر بزرگش، الکساندر پاولوویچ چخوف در سال ۱۸۷۶ به دانشگاه مسکو رفت و در رشته علوم طبیعی دانشکده ریاضی - فیزیک مشغول تحصیل شد و در روزنامه‌های فکاهی مسکو و پترزبورگ داستان می‌نوشت. آنتوان نیز در سال ۱۸۷۷ تحصیلات ابتدایی را تمام کرد و به مسکو رفت و در رشته پزشکی در دانشگاه مسکو مشغول تحصیل شد.

چخوف در نیمه سال ۱۸۸۰ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته پزشکی در دانشگاه مسکو آغاز کرد. در هر سال نخستین مطلب او چاپ شد برای همین این سال را مبدأ تاریخ آغاز نویسندگی چخوف به حساب می‌آورند. چخوف در نامه‌ای با خود در داتوشکوف می‌نویسد: نخستین تکه ناچیزم در ۱۰ تا ۱۵ سطر در نشر «داگون فلای» در ماه مارس یا آوریل ۱۸۸۰ منتشر شد. اگر آدم بخواهد مرا کند و این نوشته ناچیز را آغازی به حساب بیاورد، بنابر این سالگرد (بیست و پنج سال نویسندگی) من زودتر از ۱۹۰۵ فرا نخواهد رسید.

آنچه چخوف به آن اشاره می‌کند در واقع داستان کوتاهی است به نام «نامه ستپان ولادیمیریچ این، مالک اهل دن، به همسایه دانشمندش، دکتر فریدریخ» که در مجله سنجاچک شماره ۱۰ منتشر شد. او در سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۴ علاوه بر آموختن پزشکی در دانشگاه مسکو با نام‌های استعاری مانند: آنتوشا چخونته، آدم کبدگندیده، برادر برادرم، روبر، اییس... به نوشتن بی‌وقفه داستان و طنز در مجله‌های فکاهی مشغول بود و اندر آن اصل از آن زندگی مادر، خواهر و برادرانش را تأمین می‌کرد. او در سال ۱۸۸۴ به عنوان پزشک فارغ‌التحصیل شد و در شهر واسکرسنسک، بردیت مسکو، به طبابت پرداخت. اولین مجموعه داستانش با نام قصه‌های مدامن در همین سال منتشر کرد و اولین نقدها درباره او نوشته شد. در سال هفتم سال هنگامی که چخوف ۲۴ ساله بود، اولین خلط‌های خونی که نشان از بیماری مهلک سل داشت را مشاهده کرد.

چخوف بعد از پایان تحصیلاتش در رشته پزشکی به‌طور حرفه‌ای به داستان‌نویسی و نمایش‌نامه‌نویسی روی آورد. در سال ۱۸۸۵ همکاری خود را با روزنامه پترزبورگ آغاز کرد. در سپتامبر قرار بود نمایش‌نامه او به نام در جاده بزرگ به روی صحنه برود که کمیته سانسور آخرین آن جلوگیری کرد. مجموعه داستان‌های گل باقالی او در ژانویه سال بعد منتشر شد. در فوریه همین سال (۱۸۸۶) با آ. سووورین سردبیر روزنامه عصر جدید آشنا شد و داستان‌های، مراسم تدفین، دشمن... در این روزنامه با نام اصلی چخوف منتشر شد. بیماری سل او شدت گرفت و

او در آوریل ۱۸۸۷ به تاگانروگ و کوه‌های مقدس رفت و در تابستان در باپکینا اقامت گزید در اوت همین سال مجموعه در گرگ و میش منتشر شد و در اکتبر نمایش نامه بلندش با نام ایوانوف در تئاتر کورش مسکو به روی صحنه رفت که استقبال خوبی از آن نشد.

چخوف در ۱۶ ژوئن ۱۹۰۴ به همراه همسرش اولگا کنیپر برای معالجه به آلمان استراحت‌گاه بادن ویلر رفت. در این استراحت‌گاه حال او بهتر می‌شد، اما این بهبودی زیاد طول نمی‌کشید و روز به روز حال او وخیم‌تر می‌شد. اولگا کنیپر در خاطرات خود شرح دقیقی از روزها و آخرین ساعات زندگی چخوف را نوشته است.

ساعت ۱۱ شب حال چخوف وخیم می‌شود و اولگا پزشک معالج او، دکتر شورر، را خبر می‌دهد. اولگا از خطراتش می‌نویسد: «دکتر او را آرام کرد. سرنگی برداشت و کاملاً تزریق کرد؛ و بعد دستور شامپاین داد. آنتوان یک گیلان پر برداشت. مزه مزه کرد و لبخندی به من زد و گفت «خیلی وقت است شامپاین نخورده‌ام». از آنجا جرعه سرکشید. به آرامی به طرف چپ دراز کشید و من فقط توانستم به سویش بدم و رویش خم شوم و صدایش کنم. اما او دیگر نفس نمی‌کشید. مانند کودکی آرام به خواب رفته بود.» و این ساعات اولیه روز ۵ روز سال ۱۹۰۴ بود.

تشییع جنازه چخوف یک هفته پس از مرگ او در مسکو برگزار شد. ماکسیم گورکی که در این مراسم حضور داشت بعدها به دقت جریان

گزیده آثار آنتوان چخوف ۹/

برگزاری مراسم را توصیف کرد. جمعیت زیادی در مراسم خاکسپاری حضور داشتند و تعداد مشایعت کنندگان به حدی بود که عبور و مرور در خیابان‌های مسکو مختل شد. علاوه بر نویسندگان و روشنفکران زیادی که در مراسم حضور داشتند حضور مردم عادی نیز چشم‌گیر بود. مراسم در گورستان صومعه نووو- دویچی در شهر مسکو به خاک سرده شد.

چخوف نخستین مجموعه داستانش را دو سال پس از دریافت درجه دکترای پزشکی به چاپ رساند. سال بعد انتشار مجموعه داستان «هنگام شام» جایزه پرشکین را از فرهنگستان روسیه اهدا می‌کرد، برایش به ارمغان آورد. چخوف بیش از هفتصد داستان کوتاه نوشته است. در داستان‌های او معمولاً رویدادها از لحاظ لال و جدان یکی از آدم‌های داستان، که کمابیش با زندگی خانوادگی درون بیگانه است، تعریف می‌شود. چخوف با خودداری از شرح و بسط داستان مفهوم طرح را نیز در داستان‌نویسی تغییر داد. او در داستان‌هایش به جای ارائه تغییر سعی می‌کند به نمایش زندگی بپردازد. در عین حال، در استان‌های موفق او رویدادهای تراژیک جزئی از زندگی روزانه آدم‌های داستان او را تشکیل می‌دهند. تسلط چخوف به نمایشنامه باعث افزایش توانایی وی در خلق دیالوگ‌های زیبا و جذاب شده بود. او را «مهم‌ترین داستان‌گو روس همه اعصار» نامیده‌اند.

نخستین نمایش‌نامه چخوف بی پدری است که چندان شناخته شده نیست و پس از آن ایوانوف. یکی دو نمایش‌نامه بعدی چخوف هم

چندان موفق از کار در نیامد تا اینکه با اجرای نمایش «مرغ دریایی» در سال ۱۸۹۷ در سالن تئاتر هنری مسکو چخوف طعم نخستین موفقیت بزرگش را در زمینه نمایش‌نامه‌نویسی چشید. همین نمایش‌نامه دو سال قبل از آن در سالن تئاتر الکساندریسکی در سنت پترزبورگ با چنان عدم استقبالی روبرو شده بود که چخوف در میانه دومین شب نمایش آن، سالن را ترک کرده بود و قسم خورده بود دیگر هرگز برای تئاتر چیزی ننویسد. اما همان نمایش‌نامه در دست بازیگران چیره‌دست تئاتر هنر مسکو، چخوف را به مرکز توجه همه منتقدان و هنردوستان تبدیل کرد. بعدها با ورود اختلافاتی که میان چخوف و کنستانتین استانیسلاوسکی کارگردان نمایش‌نامه‌ی وی پیش آمد آثار دیگری از چخوف همچون «دایی وانی» (۱۸۹۹)، «سندخ‌هر» (۱۹۰۱) و... نیز بر همان صحنه به اجرا درآمد. عمده اختلاف چخوف و استانیسلاوسکی بر سر نحوه اجرای نمایش‌نامه «مرغ دریایی» بود. چخوف اصرار داشت که نمایش‌نامه کاملاً کم‌دی است و استانیسلاوسکی مایل بود بر جنبه تراژیک نمایش‌نامه تأکید کند. چخوف نه تنها با ناتوارالیزم افراطی استانیسلاوسکی می‌نازید، بلکه همچنین حال و هوای اف‌رده، غم‌انگیزی را که فکر می‌کرد به نمایش‌نامه‌اش تحمیل شده‌است، زیر سؤال می‌برد. در آوریل ۱۹۰۴، چخوف، در نامه‌ای به همسرش الگا می‌نویسد: «مرا تماماً در بوسترها و روزنامه‌ها، نمایش‌نامه مرا درام می‌نامید؟ نمی‌روویچ دانچنکو و استانیسلاوسکی، در نمایش‌نامه من چیزی پیدا کرده‌اند که مطلقاً به آنچه من نوشته‌ام شباهتی ندارد، و من شرط می‌بندم که هیچ کدام از آنها، برای

یک‌بار هم که شده، نمایشنامه مرا با شیفتگی، تا به آخر نخوانده‌اند. مرا ببخش، اما به شما اطمینان می‌دهم که این عین حقیقت است.»

او در زمینه نمایش‌نامه‌نویسی نیز آثار برجسته‌ای از خود به جا گذاشته است. او را پس از شکسپیر بزرگترین نمایش‌نامه‌نویس به شمار می‌آورند.

ناشر